

نگار فورس  
دینہ زندگی

۹۹ غفور



جمع بندی ویژه کانوں  
آرموں ۲۰ و ۲۷ ری ماه

## نکات فوری ویژه جمع بندی

آزمون ۲۰ و ۲۷ دی ماه کنکور

۱. کلید واژه های متن + آیه سنه های الهی: (اول متن رو بررسی کردم بعدش آیات)

رشد و تکامل / ظهور و بروز / نیت و تمایل / امتحان و آزمایش / ساخته شدن و تکامل / خسران و عقب ماندگی:

**دیدنی بزن امتحان و ابتلا**

پذیرش یا ایستادن / اراده و اختیار / امکانات و لوازم عمومی / عدم بهره از نعمات بی پایان خدا برای دنیا دوستان

**دیدنی بزن سنت امداد الهی**

امداد خاص / سعی و تلاش و مجاهدت انسان / نصرت و هدایت خدا / هماهنگی انسان حق گرا با نظام جهانی

**دیدنی بزن توفیق الهی**

مهلت و فرصت باطل دوستان / غوطه ور شدن در تاریکی ها / شقاوت ابدی / رشد بار گناهان / خاص گناهکاران با

**مهلت دیدنی بزن املا**

رشد امکانات (نه مهلت) گناهکاران / اصرار بیشتر بر گناه / قدم به قدم / گام به گام / تدریج به سوی عذاب / هلاکت

**ابدی دیدنی بزن استدراج**

**خفن نکته: (اگه بگن شقاوت ابدی باید بگی: سنت املا) (اگه بگن هلاکت ابدی باید بگی: استدراج) رمز: بگو آروم**

**آروم (تدریجی) به فنا رفت!**

عدل خدا / فضل خدا / کار نیک چند برابر جزا اما کار بد فقط به اندازه خودش جزا دیدنی بزن تفاوت در پاداش و کیفر

**خفن نکته: (اگه بگن: خداوند به نیکوکاران چندین برابر پاداش میدهد جواب همیشه: یا سنت توفیق الهی یا سنت**

**تفاوت در پاداش و کیفر که اولویت در گزینه ها با سنت توفیق الهی هست! اما اگر بگن خداوند به نیکوکاران**

**چندین برابر پاداش و به بدکاران به اندازه خودش جزا می دهد فقط همیشه سنت تفاوت در پاداش و کیفر)**

زندگی تحت تاثیر رفتار انسان / تاثیر کارها بر طول عمر / تاثیر دعا بر کیفیت زندگی / دعای واقعی / تنها سنت

**اجتماعی کتاب! دیدنی بزن تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت**

جمع بندی کلید واژه آیات سنت های الهی:

(نهد + عطا) دیدنی بزن امداد الهی

(احسب + یفتنون) دیدنی بزن امتحان و ابتلا

(نملی + مهین) دیدنی بزن املا

(جاهدوا + محسنین) دیدنی بزن توفیق الهی

(حسنه عشر + سینه مثل) دیدنی بزن تفاوت در پا و کی

(سنستدرجهم + املی + متین) دیدنی بزن استدراج

(اهل القرى + برکات) دیدنی بزن تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۲. جمع بندی ثمرات اخلاص:

اولین ثمره: عدم نفوذ شیطان و یاس او از فرد با اخلاص

دیگر ثمره ها:

دست یابی به معرفت و اندیشه های محکم با نفوذ حکمت (دانش متین و محکم) به اختیار انسان نتیجه:

تصمیم گیری آگاهانه و درست و عدم سرگردانی

احساس اطمینان + آرامش + لذت واقعی زندگی و نجات از فساد و دغدغه و اضطراب و کسب زیبایی های معنوی

در عین بهره مندی از دنیا یعنی ایجاد تعادل در زندگی

میوه های وصف ناشدنی: شامل: بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش)

بشود: همگی به شرط اطاعت

بالاترین میوه: دیدار محبوب حقیقی + تقرب الهی

جمع بندی کامل میوه های اخلاص:

اولین میوه = عدم نفوذ شیطان

میوه دوم = تزریق آمپول حکمت (!) به اختیار که نتیجه اش همیشه: عدم سرگردانی + تصمیم گیری درست و

آگاهانه

بالاترین میوه = دیدار محبوب (تقرب الهی) که جزوه میوه های اولیه نیست بلکه جزو میوه های وصف ناشدنی

است!

میوه های وصف ناشدنی = بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش) بشود:

همگی به شرط اطاعت

میوه های وصف ناشدنی = بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش) بشود: همگی به شرط اطاعت



بالاترین میوه = دیدار محبوب (تقرب الهی) که جزوه میوه های اولیه نیست بلکه جزو میوه های وصف ناشدنی است!  
بنا به تعبیر امام علی:  
نهایت آرزوی عارفان + دوست دل های صادقان + ولی مومنان + معبود عالمیان  
وصول از راه بندگی عارفانه

میوه اول = عدم نفوذ شیطان  
میوه دوم = تزریق آمپول حکمت (!) به اختیار که نتیجه اش همیشه: عدم سرگردانی + تصمیم گیری درست و آگاهانه

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

### ۳. جمع بندی مهم اختیار انسان (مباحث ترکیبی میان درسی دینی پایه و پیش)

جمع بندی آیات اختیار: (لعل-إما-لنفسه)

**لعل دیدی بگو اختیار:**

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مَنَّهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ **لَعَلَّهُمْ** يَحْذَرُونَ  
 اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بَأْسُهُ وَكَلْبَتُغُوا مِنْ فَضْلِهِ **وَلَعَلَّكُمْ** تَشْكُرُونَ  
 حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ **لَعَلِّي** أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ  
 يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لُبَاسًا يُوَاسِيكُمْ وَرِيشًا وَلِكُلِّ سُلْطَانٍ تَتَّقُونَ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ **لَعَلَّكُمْ** يَذَكَّرُونَ  
 وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً قَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَةِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ  
 فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ **لَعَلَّكُمْ** تَهْتَدُونَ  
 وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي **لَعَلَّهُمْ** يَرْشُدُونَ  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ **لَعَلَّكُمْ** تَتَّقُونَ

**إما (Emma) دیدی ۱۰۰ درصد بگو اختیار:**

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ **إِنَّمَا** شَاكِرًا **وَمَا** كَفُورًا

**لنفسه دیدی بگو اختیار:** (البته استثنا هم زیاد داره مثلاً در حدیث امام صادق داریم: صائناً **لنفسه** به معنای نگه دارنده نفس خود

که در این جا به خصوصیات ویژه فقها اشاره همیشه و مفهوم اختیار مورد نظر نیست)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى **فَلِنَفْسِهِ** وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ  
 قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ **فَلِنَفْسِهِ** وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

**جمع بندی اختیار حقیقی وجدانی: (دینی پیش درس ۵)**

- تفاوتی اساسی میان آتش، آب، گیاه و حیوان با انسان وجود دارد. (آتش بدون اختیار می سوزاند، آب بدون اختیار جاری می شود، گیاه بدون اختیار می روید و حیوان بدون اختیار راه می رود.)
- هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و راه مختلف قرار می گیرد و از آن ها یکی را برمیگزیند.
- توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است.
- اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می یابد و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است.
- حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می برد.
- اختیاری امری روشن است.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

g. مولوی: آن یکی بر رفت بالای درخت ... چوب حق و پشت و پهلو، آن او ... گفت: توبه کردم از **جبر** ای عیار... **اختیار** است **اختیار** است

**اختیار.**

h. نشانه های وجود اختیار: (تام)

## ((————— م —————))

ت: تفکر و تصمیم: اندیشه/سبک سنگین کردن/گاهی تردید/انتخاب یک از چندین راه / این که فردا این کف یا آن کف خود دلیل اختیار است ای صنم  
**ا: احساس رضایت یا پشیمانی: موفقیت = رضایت خرسندی / اشتباه و زیان = پشیمانی ندامت / از خود دانستن / اگر نبودی اختیار این شرم چیست**  
 م: مسئولیت پذیری: مسئولیم / نیک انجام = تشویق توسط دیگران / زشت انجام = تنبیه کیفر توسط دیگران / عهد و پیمان / پیمان شکنی = مجازات  
 هیچ گویی سنگ را فردا بیا ور نیایی من دهم بد را سرا؟ هیچ عاقل مرکلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟ (عدم اختیار = عدم مسئولیت پذیری)

شاخ نکته ها: (نکاتی که طراحان علاقه زیادی دارند!)

تفکر و تصمیم و تردید هر سه اول شون (ت) دارند پس همیشه با هم میان.

مورد دوم یعنی احساس رضایت یا پشیمانی به انواع احساسات انسان در مورد عمل خود مربوط است ولی مسئولیت پذیری مربوط به عمل انسان های دیگر در قبال کار های ماست.

**احساس رضایت و خرسندی** مربوط به **احساس رضایت و پشیمانی** (مورد دوم) است ولی **تشویق** که نوعی احساس نیست و عمل هست مربوط به مسئولیت پذیری (مورد سوم) است.

**احساس ندامت و پشیمانی** مربوط به **احساس رضایت و پشیمانی** (مورد دوم) است ولی **تنبیه و کیفر** که نوعی احساس نیستند و عمل هستند مربوط به مسئولیت پذیری (مورد سوم) است.

کلید واژه های ((موفقیت)) و ((اشتباه و زیان)) مربوط است به احساس رضایت یا پشیمانی (مورد دوم) و کلید واژه های ((درست و نیکو)) و ((زشت و ناپسند و پیمان شکنی)) مربوط است به مسئولیت پذیری که مربوط به اعمال ما در قبال دیگران می باشد.

جمع بندی: در تست ها هرگاه واژه ای احساسی دیدی (مثلاً رضایت و ندامت) سریع بزن احساس رضایت و پشیمانی از نشانه های وجود اختیار

در تست ها هرگاه واژه ای مربوط به عمل دیدی (مثلاً تشویق و تنبیه) سریع بزن مسئولیت پذیری از نشانه های وجود اختیار

i. آیه مهم اختیار حقیقی وجدانی:

به راستی آمده است نزد شما هدایت شرعی / آگاهی	رهنمودهای الهی موجب بصیرت است
رهنمودهایی از پروردگارتان!	
پس هر که بینا گشت به سود خودش، اختیار انسان / آزادی	فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ
و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است	وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا
و من بر شما نگهبان نیستم	وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

انعام، ۱۰۴  
 عدم نگهبانی خداوند بر انسان، آن گاه به وقوع می پیوندد که رهنمودهای الهی به هدایت انسان نینجامد.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

## جمع بندی فواید توجه ما به اختیار:

- a. آن چه اهمیت دارد، نحوه بهره مندی از اختیار است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق العاده ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در وجود خود مدفون ساخته اند. و چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه های بزرگ علم و دانش را فتح کرده اند.
- b. میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می پندارد، تفاوت بسیار است.
- c. انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است: (رمز: هویت + خودباوری + مسئولیت + جبران)
- ۱) احساس هویت می کند.
- ۲) از خودباوری بالایی برخوردار است.
- ۳) در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می کند.
- ۴) تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران برمی آید.

## جمع بندی پندارهای ویرانگر: (جبرگرایی / آزادی مطلق)

۱. برخی اندیشه های باطل سبب رواج جبرگرایی می شوند. مثلاً کسی که بپندارد که انسان مانند سایر اشیای مادی است، جایی برای اراده و اختیار باقی نمی گذارد.
۲. رواج عقیده «جبری گری» مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می کند. در قرن های نوزدهم و بیستم میلادی برخی از فلاسفه مادی گرا به همین نتیجه در اندیشه های خود رسیدند و گرفتار افکار نیهیلیستی (پوچ گرایی) شدند.
۳. زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروت به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می کنند و مدعی می شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده ای در محنت و مشقت باشند.
۴. از طرف دیگر، کسانی که از این نعمات الهی محروم شده اند، به خود حق اعتراض نمی دهند و می پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است. وقتی که بی امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینه اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیده جبری گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می کردند، به گونه ای که مردم فکر کنند مبارزه با سستگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.
۵. پندار ویرانگر دیگر از آن کسانی است که فکر می کنند اختیار به معنای آزادی مطلق، محور قرار دادن خواست های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی نادیده گرفتن قانون مندی های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس های خود می خواهند و توجه نمی کنند که چنین برداشتی از اختیار، نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.

## جمع بندی زمینه ساز های شکوفایی اختیار:

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قله های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم. زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است.

۱ اعتقاد به خداوند حکیم: مهم ترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده، و آن را تدبیر و اداره می کند به طوریکه همه حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب سامان دهی شده و قانون مند اتفاق می

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

افتد و اگرچه ما، به علت دانش محدود و ناقص خود از درک عمیق اهداف حکیمانه بسیاری از رویدادهای جهان خلقت عاجز هستیم، اما مطمئنیم و اعتقاد داریم که هر حادثه ای دارای هدفی معین می باشد. / قطره ای کز جویباری می رود از پی انجام کاری می رود/ ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او، همچنین این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان دارای حافظ و نگاهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد. کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی پایان آن ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی رود و هیچ کسی جز او نیز نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد. (بمسک تزولا... حلیمما غفورا)

**۲ قانون مند بودن جهان:** زندگی در یک جهان قانون مند، این امکان را به ما می دهد که با (۱) شناخت و (۲) استفاده از قوانین جهان:

(۱) نیازهای خود را برطرف کنیم، (۲) استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و (۳) پله های کمال را بپیماییم. نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان، قضا و قدر الهی است. تقدیر یعنی اندازه گرفتن و قدر یعنی اندازه و قضا به معنای به انجام رساندن حکم کردن و پایان دادن و حتمیت بخشیدن است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدر به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم (توحید ولایت) و فرمان و اراده (توحید ربوبیت) الهی ایجاد می شوند، مربوط به قضای الهی هستند. به عبارت دیگر، نقشه جهان با همه ریزه کاری ها و قانون مندی هایش (تقدیر) از آن خداست و اجرا و پیاده کردن (قضا) آن نیز به وسیله خداست. به همین جهت نه در نقشه آن نقص و اشتباهی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. آبی که با اراده خود می نوشیم، به علت اعتقاد به همین تقدیر است. یعنی می دانیم که خداوند آب را با ویژگی ها، اندازه ها و تقدیرها (تقدیر) آفریده که سبب رفع تشنگی انسان (قضا) می شود.

دقیقاً گزینه کنکور سراسری!! که غلطه توجه کنید!!!

**رفع ابهام:**

برخی چنین پنداشته اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر، چیزی و رای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می زند؛ درحالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید.

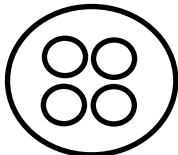
داستان حضرت علی: برداشت نابه جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایه دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایه دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم گیری براساس دستور عقل، بی فایده است. اما امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه ساز آن است. زیرا فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.

**جمع بندی انواع روابط طولی و عرضی، سوال: به نظر شما رابطه خدا با انسان کدام است؟**

اینکه می گوئیم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشه پدیده ها را معین می کند و با اراده خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظهری از قضا و قدر اوست. حال آیا این اختیار الهی با اختیار انسانی منافات دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش باید به انواع علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بپردازیم:

(۱) **علل عرضی:** به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر / مشارکت یکدیگر / هر عامل مستقیماً نقشی دارد / نقش اجزا با یکدیگر متفاوت / نقش ها در مجموع مکمل همدیگر / باغبان و خاک و آب و نور و حرارت در پرورش گیاه.

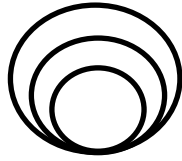
شکل:



این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

**۲) علل طولی:** یک عامل اثر بر عامل دیگر ... تا عامل  $n-1$  ام بر عامل  $n$  ام تاثیر می گذارد/ اگر یکی از عوامل حذف شود اختلال/ هر عامل اثر عامل قبلی را به معلول خود منتقل/ اراده انسان در طول اراده الهی است/ هر عامل با قدرت و حکمت بالاتر مقدم بر عامل بعدی و موخر بر عامل قبلی خود می باشد.

شکل:



### جمع بندی اختیار انسان، یک تقدیر الهی:

- وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوئیم، منظورمان فقط **تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان** یک موجود نیست. این ها **ساده ترین و آشکارترین تقدیرها** هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود.
- این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضای تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است.
- یکی از **تقدیرات الهی** برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد؛ همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختاربودن را عطا کرده است.
- به تعبیر دیگر، خداوند این گونه خواسته که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و کسی نمی تواند از اختیار، که **ویژگی ذاتی اوست**، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با **خواست و اراده** خود انجام می دهد.

### جمع بندی محدودۀ اختیار انسان:

- شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون مندی ها مانع تحرک و پویایی اوست. اما در نگاهی **زرف تر** خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطه **میان قدرت اختیار انسان و نظام جهان** را سامان داده، به گونه ای که نه تنها این نظام سدّ راه او نشود، بلکه **زمینه ساز** عروج و صعود وی به سوی قله های **کمال** گردد.
- توجه کنیم که **ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم** و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط در صورتی **صرام و مسخر** انسان می شوند که آدمی **ویژگی ها و قانون مندی ها** (تقدیر) آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی **تهیه** کند (قضای انسانی در طول قضای الهی) تا بتواند در آسمان ها و دریاها **سیر** کند (قضای انسانی در طول قضای الهی).
- پس تقدیرات و قانون مندی ها هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدود کننده آن است.** برخی از افراد به همین نکته بسیار روشن توجه نمی کنند و بدون درک قانون مندی های جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه های دلخواه خود را دنبال می کنند و بدبختی خود را رقم می زنند.

دقیقاً گزینه کنکور سراسری!!

### ۴. جمع بندی کلید واژه های انواع توحید:

توحید ذاتی (اصل توحید): غنی-احد-حی لایموت

خالقیت: خلق-انشا-فطر-آفریدگار-مبدا-سرچشمه-جهان از خداست

مالکیت: از آن خداست-له-لله-امور

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.



ولایت: ولی-حکم-حاکم-فرمانروا-دخل و تصرف-کن فیکن-سرپرست

ربوبیت: پروردگار-پرورش-رب-تدبیر-اداره-اراده-تربیت-نیرو-توان-هدایت-به پیش برنده-پشتیبان-ان شاء

تذکر غفوری: تمام کارهایی که خدا در جهان انجام می دهد، بجز **خلق**، مربوط به ربوبیت است.

حمد، عبد، احداً، شکر، تسلیم، تسبیح، تنزیه، توکل، اخلاص، اطاعت و هر ریشه ای از این کلمات: اشاره به توحید عبادی

توحید مالکیت ثمره توحید خالقیت است.

توحید ولایت ثمره توحید مالکیت و خالقیت است.

توحید ربوبیت ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت است.

توحید عبادی ثمره ی توحید در ربوبیت است در نتیجه ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت نیز هست.

لا اله الا الله : همه ابعاد توحید

هذا صراط المستقیم همیشه توحید عملی (رمز: این راه هست انسان باید بره پس توحید عملی میشه!)

اهدنا الصراط المستقیم همیشه توحید ربوبیت (رمز: ما را به راه راست خداجونم!) هدایت مون کن! چون خدا داره یه کاری

غیر خلق کردن انجام میده پس همیشه توحید ربوبیت)

### سایر نکات ریز و مهم:

اگر خداوند به کسی اذن در ولایت دهد آن شخص نیز می تواند در محدوده ی اجازه ی خداوند در اشیایی تصرف کند. چنین

اذنی به معنای واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست بلکه بدین معنی است که آن شخص در میسر و مجرای ولایت الهی

قرار گرفته و از خودش استقلال ندارد.

برخی انسان ها توحید در خالقیت را قبول دارند اما گرفتار شرك در ربوبیت می شوند؛ یعنی در کنار ربوبیت الهی برای

انسان های دیگر یا سایر مخلوقات حساب جداگانه ای باز می کنند و فکر می کنند که آن انسان ها یا آن مخلوقات مستقل از

خداوند می توانند در امور جهان دخالت کنند.

اگر افراد جامعه بکوشند در روابط خود با یکدیگر به جای خواست ها و تمایلات خود فرمان الهی را حاکم کنند و از پذیرش

طاغوت ها سر باز زنند مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم

کنند بعد اجتماعی توحید عبادی تحقق می یابد.

اگر هر يك از افراد جامعه، خواست ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت های اجتماعی

قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند شرك اجتماعی تحقق می یابد.

معرفت به خداوند زمانی میوه ی خود را می دهد که از مرحله ی شناخت ذهنی به مرحله ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت

شود؛ یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک ترین حوادث عالم نیز حضور دارد و چرخ خلقت با تدبیر خداوند

می گردد و این بت ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت‌پرستی را به ما ارائه کرده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده‌ی خودمان قرار داده است. این معیارها عبارت‌اند از: ۱- اطاعت از ارباب‌هایی جز خداوند. ۲- بندگی کسانی جز او. ۳- خارج کردن دین خداوند از برنامه‌های زندگی. ۴- تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می‌کنند.

ریشه‌ی بت‌پرستی و شرک جدید آن است که برخی انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند.

**حل تمرین: برای هر یک از آیات/عبارت‌های زیر نوع توحید را مشخص کنید:**

آیه شریفه « ما لهم من دونه من ولی »

آیه شریفه « لا یشرك فی حکمه احداً »

آیه شریفه « و لم یکن له کفو احد »

آیه شریفه « لیس کمثله شیء »

اعتقاد به این که تدبیر و پرورش مخلوقات فقط به دست خداست

آیه شریفه « افرأیتم ما تحرثون . اأنتم ترعونہ ام نحن الزارعون »

آیه شریفه « نحن جعلناھا تذکرة و متاعاً للمقوین . . . با ترجمه اش »

آیه شریفه « و اعلموا ان الله غنی حمید »

آیه شریفه « و لله ما فی السماوات و الارض و الی الله ترجع الامور »

نکته: برخی جوانان مدرس دین و زندگی (!) می‌گویند وجود کلمه (امور) در آیه بالا به معنای توحید مربوط است

ولی باید بگوییم که اینجا هیچ ربطی به توحید مربوط ندارد و فقط به خاطر کامل شدن آیه آمده است و مربوط به

بازگشت امور به خدا است.

آیه شریفه « و لم یکن له شریک فی الملک » توحید.....

«تھا وجود مستقل و بہ خود متکی خداست» توحید.....

آیہ شریفہ «فاعبدوه هذا صراط مستقیم» توحید.....

آیہ شریفہ «اتخذوا احبارہم و مرہبانہم ارباباً من دون اللہ» توحید.....

آیہ شریفہ «ان اللہ ربی و ربکم» توحید.....

آیہ شریفہ «فاعبدوه هذا صراط مستقیم» توحید.....

آیہ شریفہ ۳۱ توبہ «وما امروا الا لیعبدوا الها واحداً» توحید.....

عبارت «لا اله الا اللہ» و «لا اله الا هو» توحید.....

عبارت «... ان اعبدوا اللہ واجتنبوا الطاغوت...» توحید.....

عبارت «ومن یسلم وجہہ الی اللہ...» دلالت بر توحید عبادی (عملی) دارد. توحید.....

دہر عبارت «خالق کل شیء فاعبدوه» توحید.....

عبارت «ان تقوموا للہ مثنی و فرادی» توحید.....

عبارت «فاعبد اللہ» توحید.....

عبارت «لا تعبدوا الشیطان» توحید.....

آیه شریفه «وَأَنْ اعْبُدُونِي» توحید.....

آیه شریفه «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ» توحید.....

### ۵. نکته مهم شرک که همیشه سوال کنکور داشته چیه!!

وقتی توانایی انجام کاری را از هر انسانی (پیامبران-امامان-فقها-افراد عادی و...) بردانیم و این را در طول اراده ی خدا ندانیم در اصل دچار شرک ربوبیت شده ایم مثال: آیه (اتقوا ابراهم و رهبانهم اربابا من دون الله) وقتی چند فرایی باشیم مثلاً فرای آسمان و فرای زمین در واقع دچار شرک در فالقیت شده ایم. وقتی در مالکیت جهان کسی را شریک خداوند قرار دهیم دچار شرک در مالکیت شده ایم. وقتی ولی بودن رسول خدا را به گونه ای مستقل از ولایت خداوند در نظر بگیریم دچار شرک در ولایت شده ایم. وقتی هر یک از افراد جامعه، خواست ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و فیئر رساندن به دیگران نباشند شرک اجتماعی تحقق می یابد.

### ۶. نکته مهم درس هستی بخش کجاست؟

(الف) نیازمندی جهان به خدا در پیدایش: (انتم الفقرا الی الله)

مقدمه اول: پدیده ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست و به خودمان متکی نیستیم. مقدمه دوم: هر پدیده ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است. (ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش) (شیرین شدن) (یک موجود، فقط در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد) نتیجه: در پیدایش و هستی یافتن نیازمند موجودیت خدا هستیم که سرچشمه هستی است.

(ب) نیازمندی جهان به خدا در بقا: (یات بخلق جدید) (انتم الفقرا الی الله)

رابطه ما با خدا مانند رابطه پرتو های نور با منبع آن

(ج) همه مواردی که به خداوند نور هستی اشاره دارند:

الحمد لله الذی متجلی لخلقه بخلقه

ما رایت شیئاً الا و رایت الله قبله و بعده و معه

دلی کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم...

نکته: معرفت الهی نیازمند پاکی و صفای قلب است که در نوجوان و جوان زیاد وجود دارد.

د) تفکر در چیستی خدا نکن! ولی در صفات الهی تفکر کن زیرا شناخت صفات و ویژگی های خداوند از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی ممکن است. (نه کاملاً!!!)

ه) اندیشه و تحقیق به شدت مهم و حیاتی درس اول و نکات آن:

هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَّتْ بِكُمْ طَبِيبَةٌ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا مَرْحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ  
فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَنْعُونَ فِي الْأَرْضِ بَغْيِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

پیام آیات: (در کنکور سراسری دقیقاً به سبک زیر قسمتی از پیام آیات را می دهند و از شما آن آیه را می خواهند یا برعکس)

قوانین حاکم بر طبیعت، مخلوق و محکوم خداوند است. (هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ)

کارهای انسان، به خدا هم نسبت داده می شود، چون قدرت از اوست. با آنکه سیر، عمل انسان است، «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ»، اما می فرماید: (هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ)

انسان هر چه هم پیشرفت کند، از گزند حوادث طبیعی در امان نیست. (جاءتها ریح عاصف)

مرفهان نپندارند که پیوسته در رفاه خواهند بود. (فرحوا بها، احيط بهم)

حوادث طبیعی، غرور و تکبر انسان را برطرف ساخته، او را در برابر خداوند خاضع می سازد. (دعوا الله)

هنگام خطر، فطرت انسان به یک مبدأ نجات متوجه می شود. (دعوا الله مخلصين)

ایمان و اخلاص باید دائمی باشد، نه موسمی و به هنگام احساس خطر. (احيط بهم دعوا الله مخلصين)

انسان در هنگامه ی خطر قول می دهد، ولی به رفاه که رسید غافل می شود. (لئن انجيتنا)

ناسپاسی و کفران نعمت ها، یکی از زمینه های بروز سختی و عذاب است. (لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين)

انسان کافر بی وفا، عهدشکن و ناسپاس است. «فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ، يَنْعُونَ» (در آیه ی قبل، وعده داد اگر نجات یابد شکر کند، ولی پس از نجات ناسپاسی می کند)

ظلم به مردم، ظلم به خویش است، چون همه از یکدیگریم. (نعيكم على انفسكم)

کیفر ستم، هم در دنیا است هم در آخرت. (على انفسكم، إلينا مرجعكم)

ظالمان، تنها در چند روزه ی دنیا کامیابی دارند که در برابر کیفر قیامت، ناچیز است. (متاع الحياة الدنيا)

ریشه ی ظلم ها، دنیا طلبی انسان است. (متاع الحياة الدنيا)

یاد قیامت، از عوامل بازدارنده ی گناه است. (يا أيها الناس ... إلينا مرجعكم)

خداوند به همه ی کارهای انسان آگاه است و انسان نیز در قیامت از همه ی کارهای خود آگاه خواهد شد. (فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)

